

اولویت‌بندی موانع مشارکت‌های فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی با استفاده از مدل ساختاری تفسیری

■ جواد قاسمی روشناوند*

■ حسن بحر العلوم**

■ رضا اندام***

■ هادی باقری***

چکیده:

مشارکت نوعی پیوند چندسویه، سازنده و سودمند میان افراد است که در آن به اصل برابری انسان‌ها توجه می‌شود. مشارکت در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در آموزش و پرورش، دارای اهمیت و ضرورت فراوانی است. به‌گونه‌ای که محور اصلی توسعه هر کشوری مشارکت در آموزش و پرورش است. بر اساس تحقیقات موجود، مشارکت فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی با وجود فواید و ضرورت فراوان، وضعیت رضایت‌بخشی ندارد و با موانع متعددی روبروست. از این رو پژوهش حاضر با هدف اولویت‌بندی موانع مشارکت‌های فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی، با استفاده از «روش کیفی دلفی و غربال‌گری فازی» و «روش کمی مدل‌سازی ساختاری تفسیری» انجام شد.

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. برای انجام پژوهش ابتدا با استفاده از روش کیفی دلفی فهرستی از موانع مشارکت فرابخشی (۱۴ مقوله) در ورزش دانش‌آموزی از طریق تحلیل محتوای ادبیات موجود و ۱۵ مصاحبه انجام‌شده با خبرگان استخراج شد و با استفاده از روش غربال‌گری فازی موانع مورد تأیید خبرگان مشخص شدند (۱۲ مقوله). سپس با استفاده از روش کمی مدل‌سازی ساختاری - تفسیری، روابط بین موانع مشارکت تعیین و به‌صورت یکپارچه تحلیل شدند. در نهایت به‌منظور خوشه‌بندی موانع از «روش MIC-MAC» استفاده شد. نتایج نشان دادند که اسناد «بالادستی» و «ناآگاهی» با میزان قدرت نفوذ ۱۲ و قدرت وابستگی ۶، از تأثیرگذارترین موانع مشارکت‌های فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی به حساب می‌آیند. بنابراین با اصلاح اسناد بالادستی و افزایش سطح آگاهی جامعه، با استفاده از ظرفیت رسانه، روحانیون و افراد مشهور و معتمد محل می‌توان بسیاری از موانع مشارکت را برطرف کرد.

کلید واژه‌ها:

روش دلفی، مشارکت، مدل‌سازی ساختاری - تفسیری، ورزش تربیتی

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۳/۲۷

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۸/۴/۲

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۰/۱۴

* دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود..... javadghasemi3371@gmail.com
** دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود (نویسنده مسئول)..... bahrololoum@shahroodut.ac.ir
*** دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود..... reza.andam@gmail.com
*** استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود..... bagherihadi25@yahoo.com

■ مقدمه و بیان مسئله

حضور مداوم چند میلیون دانش‌آموز در مدرسه‌ها سرمایه بسیار ارزنده و گران‌بهایی است که در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دارد (نسترن بروجنی، نسترن بروجنی و هنری، ۱۳۹۵). سلامت این قشر عظیم نقش مهمی در پیشبرد توسعه آتی کشور دارد (حفظ اللسان، ۱۳۹۵). ورزش تربیتی به‌عنوان قاعده و زیربنای هرم ورزش، با هدف قرار دادن جامعه دانش‌آموزی، یکی از جنبش‌های تأثیرگذار در توسعه سلامت و گسترش سبک زندگی فعال به شمار می‌آید (زرکی، ۱۳۹۳). اجرای صحیح برنامه‌های ورزشی، ضمن کمک به حفظ سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان، به بدن و ذهن آن‌ها شکل می‌دهد و زمینه پیشرفت کلی آن‌ها را در حوزه‌های متفاوت فراهم می‌سازد که سرمایه‌گذاری در آن می‌تواند موجب کاهش هزینه‌ها در بخش‌های بهداشت و درمان، مبارزه با مفاسد اجتماعی و پایین آوردن سطح ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی شود (حیدری فرد و شریفیان، ۱۳۹۶). از طرف دیگر ورزش و فعالیت‌های مرتبط با آن برای مشارکت جامعه در امور خیریه چه به صورت کمک‌های مالی و چه به‌عنوان نیروهای داوطلب، بسیار جذاب هستند. زیرا از طریق آن هم مشارکت در ورزش و هم مشارکت در امور خیریه به صورت هم‌زمان اتفاق می‌افتد (وودا، اسنلگروپ و دنی لکوکا، ۲۰۱۰).

ماهیت فعالیت‌های آموزش و پرورش، بودجه ناکافی آن و نیازهای متنوع و متعدد ورزش دانش‌آموزی، مشارکت همه عناصر و عوامل جامعه را ایجاب می‌کند. باید اذعان داشت که مدرسه‌ها بدون مشارکت درون و برون‌سازمانی نمی‌توانند مسائل خود را به‌طور کامل حل کنند (اسلیتر، ۲۰۰۸). حتی، برخی از اندیشمندان، محور اصلی توسعه هر کشوری را بر پایه مشارکت در آموزش و پرورش می‌دانند (هوشمند و فولادی، ۱۳۹۴). با وجود این موضوع، یکی از مسائل اساسی آموزش و پرورش در بسیاری از کشورهای جهان نبود مشارکت فراگیر جامعه در امور مدرسه است. در ایران نیز، مشارکت مردم به امور مذهبی، مراسم عروسی و ساخت مسجد و مدرسه محدود شده است و از حوزه سلامت و ورزش دانش‌آموزی غفلت شده است (یزدان‌پناه، ۱۳۸۵).

گرچه مشارکت می‌تواند بهره‌وری را بالا ببرد و به بهبود روابط کار کمک کند (جهانیان، ۱۳۸۹)، در بسیاری از موارد، مشارکت در مدرسه‌ها، به‌واسطه نگاه خانواده‌ها از جنبه‌های مالی (زنجانی‌زاده، دانائی سیچ و سلیمی نژاد، ۱۳۹۰)، نحوه برخورد مسئولان مدرسه (تاجبخش، ۱۳۷۴)، ناتوانی در بهره‌برداری از ظرفیت‌های سازمان‌های غیردولتی و اعتماد ناکافی مدیران به مردم (گوهری، جمشیدی، امین بیدختی، ۱۳۹۴)، باعث نگرانی و مانع مشارکت آن‌ها شده است. ایوان رساس^۳ (۲۰۰۹) در یک مطالعه موردی، درآمد پایین و شرایط بد اقتصادی، تفاوت‌های زبانی و فرهنگی والدین، دیدگاه منفی معلمان نسبت به فرهنگ و صلاحیت والدین و مواردی از این قبیل

را موانع مشارکت اولیا برشمرده است.

بلیک هورانی، استرینگر و باکر^۴ (۲۰۱۲) و اسمیت، درینسن، اسلویتز و اسلیگرز^۵ (۲۰۰۷) مهم‌ترین موانع مشارکت در آموزش و پرورش را؛ شناخت‌نداشتن اولیا از اهداف و کارکردهای مدرسه، تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی، شناخت‌نداشتن والدین و ناتوانی آن‌ها در تطبیق با برنامه‌ها، کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله زیاد از مدرسه و درگیر بودن با کارهای روزمره، ساختار نظام آموزشی کشور، وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها، ناآگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدرسه‌ها و فقدان تبلیغات مناسب توسط رسانه‌های عمومی در ترویج فرهنگ مشارکت در مدرسه‌ها بیان کرده‌اند. برخی تحقیقات، موانع مشارکت خیرین را رواج دنیاگرایی، اجازه ندادن خیرین به دخالت در اداره مدرسه‌ای که خود ساخته یا تجهیز کرده‌اند، نبود روحیه تعاون، نبود تجلیل مناسب از خیرین، فقدان الگوی مناسب، عدم تبلیغات مناسب، کم شدن درآمد مردم، موانع اداری خارج از حیطه آموزش و پرورش، نبود اطلاع‌رسانی مناسب، فقدان احترام مناسب به خیرین از طرف مسئولان و کم شدن روحیه دیگرخواهی (علیزاده، ۱۳۸۷) کمبود تبلیغات، اطلاع‌رسانی و تشویق مردم، ناآشنایی مردم با نحوه مشارکت و تأثیر آن، نبود فرهنگ‌سازی در زمینه مشارکت، بی‌اعتمادی مردم نسبت به برخی خیرین، توجیه‌نشدن مردم از نظر شرعی، پشت‌گرمی به اعتبارات دولتی و نقص در قانون تحصیل رایگان و احساس طلب از دولت، عدم وجود برنامه‌ریزی منظم و تشکیلاتی در نهادهای پیگیر و کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه مشارکت‌های مردمی (آقازاده، ۱۳۹۱)، کمی اطلاعات، عدم احساس نیاز و مسائل سازمانی (مادن^۶، ۲۰۰۶)، اهمیت ندادن به ورزش، مسائل مربوط به ارتباطات و مسائل مربوط به تجربه و نارضایتی عنوان کردند (شاپیرو، گیانولاکیس، درایر و وانگ^۷، ۲۰۰۹).

برخی تحقیقات نیز به طبقه‌بندی موانع مشارکت پرداختند و دسته‌بندی‌های قانونی، انگیزشی و مدیریتی (داودی، ۱۳۹۱)، اجرایی، فرهنگی و ساختاری (اوکلی و مارسدن^۸، ۱۹۸۴/۱۳۷۰)، فکری و نگرشی، ساختاری و انسانی و موانع درونی و بیرونی (قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰)، و موانع قانونی «اجرایی، اعتقادی، فرهنگی» اجتماعی و موانع مربوط به خود ورزش (حیدری‌فرد و شریفیان، ۱۳۹۶ ص. ۱) را ارائه کرده‌اند. این در حالی است که فیلو و همکاران بیان می‌کنند که مشارکت در ورزش و رویدادهای ورزشی فرصت مناسبی برای حضور خیرین است تا از طریق مرتبط کردن خود با ورزش بتوانند محبوبیت خود را افزایش دهند و عواید زیادی از این طریق کسب کنند (فیلو، فانک و برین^۹، ۲۰۱۰). اهمیت نقش خیرین و مشارکت فراگیر جامعه در ورزش دانش‌آموزی وقتی آشکارتر می‌شود که در نظر داشته باشیم ایران جزو کشورهای در حال توسعه است که علاوه بر انقلاب، جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی بین‌المللی، تحولات درونی شگرفی در فرهنگ و مدنیت را تجربه می‌کند (حیدری‌فرد و شریفیان، ۱۳۹۶). بنابراین با توجه به رشد جمعیت و کمیابی منابع، استفادهٔ بهینه از

منابع موجود و ایجاد منابع تازه از طریق خیرین از اهمیت زیادی برخوردار است. تجارب اداره‌های آموزش و پرورش، نشان می‌دهند، با وجود اهمیت و فواید مشارکت در ورزش دانش‌آموزی، در حال حاضر مشارکت فرابخشی وضعیت رضایت بخشی ندارد و با موانع متنوع و متعددی روبروست. بعضی معتقدند که این مشکلات به ساختارهای نظام آموزشی کشور برمی‌گردد و برخی دیگر ناآگاهی خانواده‌ها از فواید مشارکت در امر آموزش و توسعه سلامتی، بی‌اعتمادی، نداشتن انسجام اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی را در کاهش مشارکت مؤثر می‌دانند. با توجه به ویژگی‌های خاص آموزش و پرورش آنچه حائز اهمیت است، بررسی موانع مشارکت در آموزش و پرورش به صورت ویژه و با استفاده از افراد متخصص و باتجربه در حوزه ورزش دانش‌آموزی است.

مرور مطالعات گذشته نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های جامعی در مورد مشارکت در ورزش دانش‌آموزی انجام نگرفته و پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر معطوف به کلیت آموزش و پرورش و آن هم محدود به کمک‌های مالی بوده و از سایر حوزه‌های مشارکت غفلت شده است. بنابراین، مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به دو سؤال محوری زیر است:

۱. موانع توسعه مشارکت فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی در ایران چیست؟
۲. چگونه می‌توان این موانع را اولویت‌بندی کرد؟

■ روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف‌گذاری کاربردی و از نظر روش‌شناسی به صورت توصیفی-تحلیلی است. در روند تهیه و تولید داده‌ها ابتدا موانع مؤثر مشارکت فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی با استفاده از بررسی محتوای نظری، نظرات خبرگان، شامل استادان، مسئولان و دبیران تربیت‌بدنی و کارشناسان تربیت‌بدنی اداره‌ها از طریق روش دلفی شناسایی شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌سازی تفسیری-ساختاری بهره گرفته شد. روش دلفی و نیز روش مدل‌سازی تفسیری-ساختاری ایجاب می‌کند که اطلاعات از خبرگان و متخصصان دریافت و تحلیل شود. برای انتخاب تیم دلفی و تیم «ISM» از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. معیارهای انتخاب خبرگان تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. نکته قابل توجه در تعیین تعداد خبرگان، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های مختلف در پژوهش است. تعداد خبرگان شرکت‌کننده در مقالات ساختاری-تفسیری بین ۱۴ تا ۲۰ نفر است (فیسال، بنوت و شانکار^۱، ۲۰۱۰؛ رامش، بنوت و شانکار^{۱۱}، ۲۰۱۰).

انجام این پژوهش در سه مرحله انجام گرفت (شکل ۱):

۱. فاز شناسایی موانع: در این مرحله، از روش دلفی مبتنی بر نظر خبرگان استفاده شد و پس از مطالعه ادبیات پژوهش‌های مرتبط، با کارکنان حوزه ستادی معاونت تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش و ادارات کل و همچنین دبیران تربیت‌بدنی با تجربه مصاحبه صورت گرفت.

۲. فاز غربال معیارها: در این مرحله پس از شناسایی موانع مشارکت، از تکنیک غربالگری فازی برای تعیین مهم‌ترین معیارها بهره گرفته شد.

۳. فاز تعیین روابط بین متغیرها و نوع متغیرها (مدل‌سازی): در این مرحله پرسش‌نامه تعیین روابط روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری توسط خبرگان سازمان تکمیل شد. سپس با تبدیل ماتریس روابط و ایجاد سازگاری در ماتریس روابط، گراف ISM به‌عنوان مدل‌سازی گرافیکی روابط ترسیم و با استفاده از تحلیل «MICMAC»^{۱۲} نوع متغیرها تعیین شد.



نمودار ۱. روش پژوهش

● فرایند غربالگری فازی^{۱۳}

فرایند غربالگری فازی، فرایندی دو مرحله‌ای و شامل سه جزء بود: جزء اول، مجموعه‌ای از گزینه‌های تصمیم‌گیری بود که قصد داشتیم از بین آن زیرمجموعه‌ای را برای بررسی‌های بیشتری انتخاب کنیم.

$$A = \{A_1, A_2, \dots, A_m\} \quad (1)$$

جزء دوم، مجموعه‌ای از معیارهاست که ارزیابی بر اساس آن‌ها انجام می‌شود.

$$C = \{C_1, C_2, \dots, C_n\} \quad (2)$$

جزء سوم نیز گروهی از افراد خبره هستند که نظرات آن‌ها در غربال‌سازی صائب است.

$$E = \{E_1, E_2, \dots, E_r\} \quad (3)$$

هر فرد خبره باید بیان دارد که هر گزینه در قالب عناصر مقیاس جدول ۱ تا چه میزان معیارهای متفاوت را اقتناع می‌کند.

جدول ۱. طیف فازی هفت‌بخشی برای امتیازدهی (الف، شهریار، نیا، ۱۳۹۳)

Very high (VH)	S۷	خیلی زیاد
High (H)	S۶	زیاد
Fairly High (FH)	S۵	نسبتاً زیاد
Medium (M)	S۴	متوسط
Fairly Low (FL)	S۳	نسبتاً کم
Low (L)	S۲	کم
Very Low (VL)	S۱	خیلی کم

یافته‌ها

بر اساس بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش در حوزه مشارکت در آموزش و پرورش و همچنین استفاده از نظر خبرگان و متخصصان ورزش دانش‌آموزی، موانع موجود در مسیر گسترش و توسعه مشارکت فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی در ایران استخراج شدند که ۱۴ مقوله به‌عنوان موانع اثرگذار در مشارکت شناسایی شدند. (جدول ۲). این موانع به‌عنوان معیارها و عناصر مدنظر در مرحله اول روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری مورد استفاده قرار گرفتند.

جدول ۲. موانع مشارکت‌های فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی

موانع	موانع	موانع	موانع	موانع
جهت‌گیری رسانه	۱۱	انتظارات اجتماعی	۶	بی‌تفاوتی کاری
بی‌عدالتی بخشی	۱۲	منفعت‌طلبی	۷	خودخواهی سازمانی
اسناد بالادستی	۱۳	ناآگاهی اجتماعی	۸	عدم انعطاف ساختار وظیفه
تعارضات اجرایی	۱۴	نبود تفکر راهبردی	۹	منفی‌نگری اجتماعی
		چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده	۱۰	عادات و گرایش‌ها

با استفاده از تکنیک غربالگری فازی اهمیت هر یک از معیارها محاسبه شد که در این مرحله هشت تن از متخصصان به پرسش‌نامه‌های غربال فازی پاسخ دادند. خبرگان به صورت «دبیران تربیت‌بدنی باتجربه، استادان تربیت‌بدنی و مسئولان ورزش دانش‌آموزی» تعریف شده بودند. جواب‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه غربال فازی برای هر معیار به صورت نزولی مرتب شدند که به علت محدودیت‌های مقاله فقط تعدادی از پاسخ‌ها در اینجا ذکر شده‌اند:

$$U1 = \{H, FH, FH, FH, M, FL, FL, FL\}$$

$$U2 = \{H, H, H, H, FH, FH, M, L\}$$

$$U3 = \{H, H, H, FH, FH, FH, FH, M\}$$

$$U4 = \{VH, H, H, H, H, FH, FH, M\}$$

سپس تابع اجماع نظر به صورت زیر تعریف شد:

$$QA(k) = Sb(k) \quad (4) \quad B(k) = INT [1 + (k(q-1)/r)] \quad (5) \quad k=1, 2, \dots, r$$

با توجه به اینکه از طیف هفت‌تایی استفاده کردیم، به جای q عدد ۷ قرار گرفت. همچنین، چون هشت نفر به پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند، به جای r عدد ۸ را قرار دادیم.

آن‌گاه:

$$B(k) = INT [1 + (k(6/8))]$$

تابع اجماع نظر به صورت زیر است:

$$K=1 \rightarrow B(1) = INT [1.75] = 1 \rightarrow QA(1) = S1 \sim VL$$

$$K=2 \rightarrow B(2) = INT [2.5] = 2 \rightarrow QA(2) = S2 \sim L$$

$$K=3 \rightarrow B(3) = INT [3.25] = 3 \rightarrow QA(3) = S3 \sim FL$$

$$K=4 \rightarrow B(4) = INT [4] = 4 \rightarrow QA(4) = S4 \sim M$$

$$K=5 \rightarrow B(5) = INT [4.75] = 4 \rightarrow QA(5) = S5 \sim M$$

$$K=6 \rightarrow B(6) = INT [5.5] = 5 \rightarrow QA(6) = S6 \sim FH$$

$$K=7 \rightarrow B(7) = INT [6.25] = 6 \rightarrow QA(7) = S7 \sim H$$

$$K=8 \rightarrow B(8) = INT [7] = 7 \rightarrow QA(8) = S7 \sim VH$$

ارزیابی به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه به صورت زیر است که تنها به ذکر دو عامل بسنده کردیم و سایر نتایج در جدول ۳ آمده‌اند.

$$U1 = \max \{VLAH, LAFH, FLAFH, MAFH, MAM, FHAFL, HAFL, VHAFL\} = M$$

$$U2 = \max \{VLAH, LAH, FLAH, MAH, MAFH, FHAFL, HAM, VHALL\} = M$$

جدول ۳. اهمیت ۱۴ معیار

عامل	اهمیت	عامل	اهمیت	عامل	اهمیت	عامل	اهمیت	عامل	اهمیت	عامل	اهمیت	عامل	اهمیت
۱	M	۳	FH	۵	M	۷	FH	۹	FH	۱۱	FH	۱۳	FH
۲	FH	۴	FH	۶	FH	۸	FH	۱۰	FH	۱۲	FH	۱۴	FH

با توجه به اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه، عواملی که دارای اهمیت متوسط بودند، حذف و عواملی با اهمیت نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد، به عنوان ۱۲ عامل خروجی غربال فازی (جدول ۴) انتخاب شدند که همان متغیرهای ورودی مدل‌سازی ساختاری-تفسیری هستند.

جدول ۴. عامل خروجی غربال فازی

شماره	معیار	شماره	معیار	شماره	معیار
۱	عادت‌ها و گرایش‌های اجتماعی	۵	خودخواهی سازمانی	۹	بی‌عدالتی
۲	انتظارات اجتماعی	۶	انعطاف‌نداشتن ساختار وظیفه‌ای	۱۰	جهت‌گیری رسانه
۳	ناآگاهی	۷	نبود تفکر راهبردی	۱۱	اسناد بالادستی
۴	بی‌تفاوتی کاری	۸	چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده	۱۲	تعارض‌های اجرایی

مدل‌سازی ساختاری-تفسیری

مراحل توسعه مدل‌سازی ساختاری-تفسیری در هفت گام شکل می‌گیرد:

● گام اول: تعیین موانع

مدل‌سازی ساختاری-تفسیری با تهیه فهرستی از متغیرهایی شروع می‌شود که مربوط به مسئله یا موضوع هستند (کانان و نور حاق، ۱۴، ۲۰۰۷). این متغیرها از مطالعه ادبیات موضوع، مصاحبه با خبرگان و یا از طریق پرسش‌نامه به دست می‌آیند (تیزرو، ۱۳۸۹). موانع شناسایی شده همان ۱۲ عامل خروجی از تکنیک غربال فازی هستند (جدول ۴).

● گام دوم: به دست آوردن ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM)

این ماتریس، ماتریسی به ابعاد متغیرهاست که در سطر و ستون اول آن متغیرها به ترتیب ذکر می‌شوند. آنگاه روابط دو به دو متغیرها توسط نمادهایی مشخص می‌شود (تیزرو، ۱۳۸۹). ماتریس

خود تعاملی ساختاری بر اساس بحث و نظرات گروه متخصصان تشکیل می‌شود (جتیش تاکار، دشماخ، گوپتا و شانکار^{۱۵}، ۲۰۰۷). برای تعیین نوع روابط پیشنهاد شده است که از نظر خبرگان و کارشناسان بر اساس تکنیک‌های متفاوت مدیریتی، از جمله «توفان مغزی» و «تکنیک گروه اسمی» و غیره استفاده شود (سینگ، شانکار، ناراین و آگاروال^{۱۶}، ۲۰۰۳). برای تعیین نوع رابطه می‌توان از نمادهای زیر استفاده کرد:

جدول ۵. روابط مفهومی در تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷)

نماد	مفهوم نماد
V	i به j منجر می‌شود (سطر منجر به ستون)
A	j به i منجر می‌شود (ستون منجر به سطر)
X	رابطه دوطرفه i و j وجود دارد
O	رابطه معتبری وجود ندارد.

ماتریس SSIM با نظر متخصصان تهیه شد. به همین منظور، با نظرات هشت نفر از خبرگان (که در مرحله غربال فازی حضور داشتند) و با استفاده از روابط مفروضه در جدول ۵ ماتریس SSIM به شرح جدول ۶ تکمیل شد.

جدول ۶. ماتریس SSIM

معیارها	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	X	A	V	X	O	V	V	V	V	O	X
۲		A	X	V	O	O	O	X	V	A	X
۳			V	V	O	V	X	V	V	O	V
۴				V	V	A	X	A	O	A	A
۵					A	A	A	X	V	O	X
۶						A	O	O	O	A	V
۷							V	V	X	X	V
۸								V	V	A	V
۹									V	A	X
۱۰										O	X
۱۱											V

● گام‌های سوم و چهارم: تشکیل ماتریس دستیابی و سازگار کردن آن

با تبدیل نمادهای روابط ماتریس SSIM به عددهای صفر و یک می‌توان به ماتریس دستیابی رسید. این قواعد در جدول ۷ بیان شده‌اند (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷). برای سازگار کردن ماتریس باید حالت تریایی بین عوامل نیز بررسی شود. اگر i به z و z به k منجر شد، آنگاه i باید به k منجر شود (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷). هوآنگ و همکارانش از قوانین ریاضی برای ایجاد سازگاری استفاده کردند. بدین صورت که ماتریس دستیابی را به توان $(1+K)$ می‌رسانند ($k \geq 1$). البته، عملیات به توان رساندن ماتریس باید طبق «قاعده بولین^{۱۷}» ($1=1 \times 1, 1=1+1$) باشد (هوانگ، تزنگ و وانگ^{۱۸}، ۲۰۰۵).

جدول ۷. نحوه تبدیل روابط مفهومی به عددها (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷).

نماد مفهومی	i به z	i به J
V	۱	۰
A	۰	۱
X	۱	۱
O	۰	۰

ماتریس دستیابی با جایگزین ساختن نمادهای موجود در ماتریس SSIM با روابط تعریف‌شده در جدول ۷ صورت گرفت و عملاً نمادهای O, A, V, X به مجموعه‌ای از عددهای صفر و یک تبدیل شدند و بر اساس قاعده بولین ماتریس سازگار شده به دست آمد (جدول ۸).

جدول ۸. ماتریس دستیابی سازگار شده

شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱
۵	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱

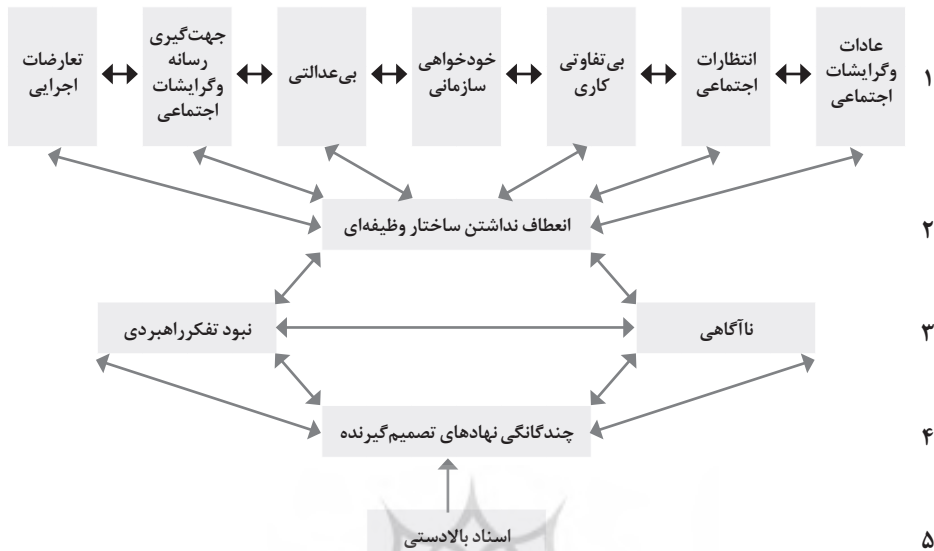
● گام پنجم: تعیین سطح متغیرها و تشکیل ماتریس مخروطی^{۱۹}

برای تعیین سطح و اولویت متغیرها، برای هر متغیر مجموعه دستیابی^{۲۰} و مجموعه پیش‌نیاز^{۲۱} تعیین می‌شود. مجموعه دستیابی هر متغیر شامل متغیرهایی می‌شود که از طریق این متغیر می‌توان به آن‌ها رسید. مجموعه پیش‌نیاز نیز شامل متغیرهایی می‌شود که از طریق آن‌ها می‌توان به این متغیر رسید. سپس اشتراکات مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز همه عوامل تعیین می‌شود و در صورت برابر بودن مجموعه دستیابی با مجموعه اشتراک، آن عامل (یا عوامل) به عنوان سطح بالا در نظر گرفته می‌شود. برای به دست آوردن سایر سطوح باید سطوح قبلی از ماتریس جدا شوند و فرایند تکرار شود. پس از تعیین سطوح، دوباره ماتریس دریافتی را به ترتیب سطوح مرتب می‌کنیم و ماتریس جدید را، «ماتریس مخروطی» می‌نامیم (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷). در این پژوهش تعداد سطوح برابر با پنج سطح بود که نتیجه نهایی تعیین سطح متغیرها در جدول ۹ نمایش داده شده است.

جدول ۹. تعیین سطح متغیرها	
سطح	معیارها
اول	عادت‌ها و گرایش‌های اجتماعی، انتظارات اجتماعی، بی‌تفاوتی کاری، خودخواهی سازمانی، بی‌عدالتی، جهت‌گیری رسانه، تعارضات اجرایی
دوم	انعطاف نداشتن ساختار وظیفه‌ای
سوم	ناآگاهی، نبود تفکر راهبردی
چهارم	چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده
پنجم	اسناد بالادستی

● گام ششم: رسم نمودار

بر اساس روابط موجود در ماتریس دستیابی و بر اساس اطلاعات سطح‌بندی متغیرها، گراف روابط بین متغیرها با حذف موارد تریایی نهایی حاصل شده. سپس عددها با معیارهای اصلی تحقیق جایگزین شدند. اگر رابطه‌ای از z به وجود داشت، با پیکانی از z به z مشخص شد (جتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷). در نمودار ۲ گراف ISM نشان داده شده است.



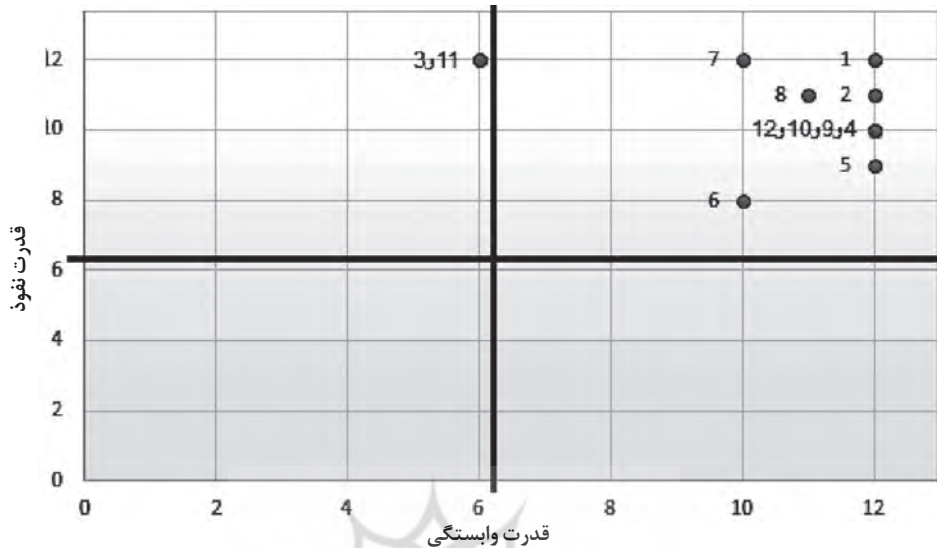
نمودار ۲. گراف ISM

گام هفتم: تجزیه و تحلیل MICMAC

هدف از این تجزیه و تحلیل تشخیص و تحلیل «قدرت نفوذ^{۲۲}» و «وابستگی^{۲۳}» متغیرهاست. قدرت نفوذ برابر با حاصل جمع عددهای سطر هر متغیر و قدرت وابستگی برابر با حاصل جمع عددهای ستون هر متغیر است. جدول مختصاتی بر اساس دو بعد قدرت نفوذ و وابستگی تشکیل دادیم و متغیرها را برحسب قدرت نفوذ و وابستگی محاسبه شده در جدول ۱۳ وارد کردیم.

جدول ۱۰. قدرت نفوذ و وابستگی

شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	قدرت نفوذ
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۲	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱۰
۵	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۹
۶	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۸
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱۱
۹	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱۰
۱۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱۰
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۱۲	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱۰
وابستگی	۱۲	۱۲	۶	۱۲	۱۲	۱۰	۱۰	۱۲	۱۲	۱۲	۶	۱۲	



نمودار ۲. قدرت نفوذ و وابستگی

طبقه‌بندی نهایی معیارها در نمودار ۳ نشان داده شده است. در این تحلیل متغیرها برحسب قدرت هدایت و وابستگی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. **متغیرهای خودگردان^{۲۴}**: که دارای قدرت هدایت و وابستگی ضعیف هستند. این متغیرها نسبتاً غیر متصل به نظام هستند و ارتباطات کم و وضعی با نظام دارند.
۲. **متغیرهای وابسته^{۲۵}**: که دارای قدرت هدایت کم، ولی وابستگی شدید هستند.
۳. **متغیرهای ارتباطی^{۲۶}**: که قدرت هدایت و وابستگی زیادی دارند. این متغیرها غیرایستا هستند، زیرا هر نوع تغییر در آن می‌تواند نظام را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت بازخورد نظام نیز می‌تواند این متغیرها را دوباره تغییر دهد.
۴. **متغیرهای مستقل^{۲۷}**: که دارای قدرت هدایت قوی، ولی وابستگی ضعیف هستند (راوی، شانکار و تایواری^{۲۸}، ۲۰۰۵).

بر اساس نمودار ۳ از بین موانع مشارکت فرابخشی دو مانع شماره ۳ (ناآگاهی) و شماره ۱۱ (اسناد بالادستی) به‌عنوان موانع مستقل تعیین شدند که از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایین برخوردارند و بر سایر موانع تأثیر زیادی می‌گذارند. و سایر موانع در دسته موانع ارتباطی یا پیوندی قرار گرفتند که از قدرت نفوذ و وابستگی بالا برخوردارند. و هیچ مانعی در دو دسته متغیرهای خودگردان و وابسته قرار نگرفت.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

هدف از پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی موانع مشارکت فرابخشی در ورزش دانش‌آموزی بود. برای رسیدن به این هدف ابتدا موانع مشارکت با بررسی پیشینه پژوهش و مصاحبه با متخصصان تعیین شد که ۱۴ دسته موانع شناسایی شدند. در ادامه با استفاده از نظر خبرگان میزان اهمیت این موانع با استفاده از روش غربالگری فازی تعیین شد و موانعی که درجه اهمیت آن‌ها متوسط و کمتر بود از دور تحقیق حذف شدند. پس از انجام مرحله غربالگری فازی، ۱۲ مانع باقی‌مانده وارد مدل‌سازی ساختاری-تفسیری شدند. نتایج حاصل از مدل‌سازی ساختاری-تفسیری پس از تعیین ماتریس دستیابی اولیه و سازگار شده و سطح‌بندی در گراف ISM ترسیم شد. به این ترتیب، موانع در پنج سطح طبقه‌بندی و ترسیم شدند. در گراف ISM، روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح متفاوت به خوبی نمایان است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری می‌شود. معیارهای سطح پنجم یا همان سطح آخر (پایین‌ترین سطح گراف) بیشترین ارتباط و تأثیر را بر مشارکت دارند و با تغییر آن‌ها مشارکت دچار تغییر می‌شود. «اسناد بالادستی» با قرار گرفتن در پایین‌ترین سطح، بیشترین تأثیر را بر مشارکت دارند. در سطح بعدی «چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده» قرار دارد و در سطح بعدی دو مانع «ناآگاهی» و «نبود تفکر راهبردی» قرار دارند که بر هم تأثیر متقابل دارند. در سطح بعدی «نداشتن انعطاف» ساختار وظیفه قرار دارد. در نهایت در بالاترین سطح موانع عادت‌ها و گرایش‌های اجتماعی، انتظارات اجتماعی، بی‌تفاوتی کاری، خودخواهی سازمانی، بی‌عدالتی، جهت‌گیری رسانه و تعارضات اجرایی قرار دارند که به سایر عوامل وابسته‌اند و بر همدیگر نیز تأثیر متقابل دارند و از اثرگذاری کمتری برخوردارند. در ادامه مراحل تحقیق از تحلیل MICMAC برای تعیین نوع متغیرها استفاده شد. موانع ناآگاهی و اسناد بالادستی در گروه متغیرهای مستقل یا کلیدی جای گرفتند که بیشترین تأثیر را بر سایر موانع دارند و کمترین اثر را از سایر موانع می‌پذیرند. به همین دلیل، رفع این موانع برای توسعه مشارکت فرابخشی از اهمیت زیادی برخوردار است. بقیه موانع در گروه متغیرهای ارتباطی یا پیوندی قرار گرفتند که دارای قدرت نفوذ بالا و قدرت وابستگی بالایی هستند که علاوه بر تأثیر بر سایر موانع، از آن متغیرها متأثر می‌شوند. در این تحقیق هیچ مانعی در دو دسته متغیرهای خودگردان و وابسته قرار نگرفت. بنابراین مهم‌ترین مانع مشارکت فرابخشی اسناد بالادستی هستند که به موارد امکان‌ناپذیر بودن تغییر ماده‌های هزینه‌کرد بودجه، تأکید ماده ۸۸ مبنی بر واگذاری فضاهای ورزشی به بخش خصوصی، محدودیت استفاده از داوطلبان و برون‌سپاری

درس تربیت بدنی، تأکید قانون اساسی مبنی بر آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، مانع دریافت پول از والدین در مدرسه‌ها، و انحصاری بودن رسانه اشاره دارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش حیدری فرد و شریفیان (۱۳۹۶) که یکی از موانع مشارکت خیرین در ساخت فضاهای ورزشی را «موانع قانونی» عنوان می‌کند، هم‌خوانی دارد. همچنین با نتایج پژوهش آقازاده (۱۳۹۱) که بیان می‌کند: پشت‌گرمی به اعتبارات دولتی، نقص در قانون تحصیل رایگان و احساس طلب از دولت مانع عمده‌ای در راه توسعه مشارکت‌های مردمی در امور مدرسه است؛ هم‌خوانی دارد. روند حرکت آموزش و پرورش رسمی در جمهوری اسلامی ایران مبین آن است که در طول زمان هرگاه سازوکارهای رسمی و سازمان‌یافته با سازوکارهای خودجوش و مردمی همراه شده، نقش عوامل ذی‌نفع در مدرسه برجسته شده و امکان حضور فعال و مؤثر افراد در تصمیم‌گیری‌های تربیتی و آموزشی فراهم آمده؛ بهبود کمی و کیفی و به‌ویژه ارتقای سطح کیفی تعلیم و تربیت را در پی داشته است. دومین مانع تأثیرگذار بر مشارکت فرابخشی ناآگاهی است که به مواردی از قبیل؛ ناآشنایی با چالش‌های مشارکت‌کنندگان برون‌سازمانی، بی‌اطلاعی از شیوه‌های خدمت‌رسانی و مشارکت، درک سطحی جامعه از ورزش در حد قرمز و آبی، ناآگاهی بخش خصوصی از ظرفیت تبلیغاتی ورزش دانش‌آموزی، بی‌اطلاعی از ضرورت مشارکت در ورزش دانش‌آموزی و ناآگاهی از نقش ورزش دانش‌آموزی در پایه‌ریزی سلامت جسمی و روحی جامعه اشاره دارد. نتایج پژوهش زنجانی زاده و همکارانش (۱۳۹۰) مبنی بر اینکه ناآگاهی خانواده‌ها از فواید مشارکت در آموزش و پرورش، در کاهش مشارکت مؤثر است نیز با نتایج این پژوهش هم‌سوست. گوهری و همکارانش (۱۳۹۴) نیز بیان می‌کنند، ناآگاهی والدین از پیامدها، نتایج احتمالی و فواید مترتب بر امر مشارکت در مدرسه‌ها یکی از موانع اصلی مشارکت است. پژوهش آقازاده (۱۳۹۱) که موانع و کاستی‌های موجود در مشارکت را کمبود تبلیغات، نبود اطلاع‌رسانی و تشویق مردم، ناآگاهی مردم از نحوه مشارکت و تأثیر آن، فقدان فرهنگ‌سازی در زمینه مشارکت بیان می‌کند نیز نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. بلیک هورانی و همکارانش (۲۰۱۲) هم در پژوهشی شناخت نداشتن اولیا از هدف‌ها و کارکردهای مدرسه (ناآگاهی) را یکی از موانع مهم بر سر راه مشارکت والدین عنوان کرده‌اند. وی بیان کرده است: فهم متفاوت از نقش‌های مناسب برای معلمان و والدین، و باورهای مختلف والدین و مسئولان مدرسه‌ها از هدف‌ها و بروندهای مدرسه، مانعی برای گفت‌وگوها و همکاری بین والدین و مسئولان مدرسه‌هاست. سومین مانع تأثیرگذار بر مشارکت فرابخشی، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده است

که به مواردی از قبیل نبود مدیریت یکپارچه در ساخت و کاربری فضاهای ورزشی دولتی با اولویت‌دهی به ورزش مدرسه‌ها، برنامه‌ریزی مجزا و ناهماهنگ، تداخل مأموریت نهادهای ذی‌نفع، ارتباط نداشتن درس‌های دانشگاهی رشته تربیت‌بدنی با ورزش دانش‌آموزی، نبود دفتر یا کارگروه مشترک بین سازمان‌ها در سطح ستادی و نادیده گرفتن نقش آموزش و پرورش در ورزش پایه اشاره دارد. چندانگنی نهادهای تصمیم‌گیرنده، بلای جان ورزش کشور شده است و باعث هدر رفت انرژی و سرمایه می‌شود. نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیق آفازاده (۱۳۹۱) مبنی بر نبود برنامه‌ریزی منظم و تشکیلاتی در نهادهای درگیر به‌عنوان مانع مشارکت و همچنین با نتایج قاسمی‌پویا (۱۳۸۰) مبنی بر نبود برنامه‌ریزی صحیح دولتی به‌عنوان مانعی برای توسعه مشارکت هم‌خوانی دارد. چهارمین مانع مشارکت فرابخشی، نبود تفکر راهبردی است که به مواردی از قبیل تغییر و تحولات سریع مدیریتی، مینا قرار ندادن برنامه جامع ورزش، نبود نگاه پایه‌ای به ورزش دانش‌آموزی، بی‌توجهی به ساخت راهبردی نشان (برند) ورزش دانش‌آموزی، تمایل به گزارش‌دهی نهادهای متولی، تمرکز روی مسائل آنی و زود بازده، تفکرات جزیره‌ای و تمایل نداشتن به همکاری در نظام اداری کشور و فقدان تمرکز بودجه و اعتبارات دستگاه‌های فعال در رده‌های دانش‌آموزی اشاره دارد. نتایج پژوهش با تحقیقات بلیک هورانی و همکاران (۲۰۱۲) هم‌سوست چراکه تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و شناخت نداشتن والدین و ناتوانی آن‌ها در تطبیق با برنامه‌ها را از موانع مشارکت عنوان کرده است. گوهری و همکارانش (۱۳۹۴) نیز نتایج این تحقیق را تأیید می‌کنند. آن‌ها تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و شناخت نداشتن والدین و ناتوانی آن‌ها را به‌عنوان موانع مشارکت بیان می‌کنند. یافته‌ها بیانگر آن‌اند که از بین موانع مشارکت دو دسته موانع ناآگاهی و اسناد بالادستی در دستیابی به مشارکت بسیار مؤثرند. بنابراین می‌توان با اصلاح اسناد بالادستی و دادن آگاهی و اطلاع به جامعه مبنی بر نیاز آموزش و پرورش به مشارکت، باعث افزایش مشارکت مردم شد. چراکه آموزش و پرورش که صرفاً به درآمدهای دولتی متکی باشد، بحران‌های اقتصادی بر مسیر توسعه آن اثر منفی خواهد گذاشت. توجه به این موانع و رفع آن‌ها برای افزایش مشارکت فرابخشی حائز اهمیت است. می‌توان با افزایش سطح آگاهی جامعه و مسئولان و سازمان‌های درگیر در ورزش، و همچنین اصلاح اسناد بالادستی، مشارکت فرابخشی را توسعه داد. بنابراین پیشنهاد می‌شود کارگروهی متشکل از متخصصان، مسئولان و خیرین فعال در امور آموزش و پرورش تشکیل شود تا ضمن اصلاح اسناد بالادستی و بررسی راه‌های افزایش سطح آگاهی جامعه، از تمام ظرفیت جامعه، اعم از رسانه‌ها، روحانیون و طلاب حوزه علمیه، معتمدان محل و افراد دارای شهرت استفاده کند.

منابع

- آقازاده کلپیر، رضا. (۱۳۹۲). راه‌های جلب مشارکت مردمی در آموزش و پرورش. نوشته‌شده در پانزدهم فروردین به نقل از سایت <http://moalamebasyjey.blogfa.com/post/۲>
- الفت، لعیا و شهریاری‌نیا، آرش. (۱۳۹۳). مدل‌سازی ساختاری- تفسیری عوامل مؤثر بر انتخاب همکار در زنجیره تأمین چابک. مدیریت تولید و عملیات، ۹(۵)، ۱۰۹-۱۲۹.
- اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید. (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، (ترجمه منصور محمودنژاد). تهران: مرکز تحقیقات مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی. (اثر اصلی در سال ۱۹۸۴ چاپ شده است).
- تاجبخش، علی. (۱۳۷۴). نقش اولیا در مدارس با تأکید بر مدارس ابتدایی. مجله پیوند، ۴۲، ۱۱-۱۶.
- نیزرو، علی. (۱۳۸۹). طراحی مدل زنجیره تأمین چابک - رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، شرکت سهامی ذوب‌آهن (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- جهانیان، رمضان. (۱۳۸۹). بررسی راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۳(۱۷)، ۴۵-۵۸.
- حفظ‌اللسان، مهرداد. (۱۳۹۵). طراحی و تبیین مدل توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌های دولتی ایران (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه ارومیه، ارومیه.
- حیدری‌فرد، سمیه و شریفیان، اسماعیل. (۱۳۹۶). شناسایی و مقایسه موانع مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی، نشریه مطالعات مدیریت ورزشی، ۴۱، ۸۱-۹۶.
- داودی، رسول. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد و موانع فراروی شورای دانش‌آموزی جهت مشارکت دهی دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴(۱۲)، ۱۴۷-۱۶۱.
- زرکی، پرستو. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای روزنامه‌های ورزشی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید باهنر، کرمان.
- زنجانی‌زاده، هما؛ دانائی‌سیج، مجید و سلیمی‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل مؤثر بر آن. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱(۱)، ۷۱-۱۰۱.
- علیزاده، محمد. (۱۳۸۷). موانع و استراتژی‌های افزایش تعداد اهداکنندگان در ارائه خدمات به آموزش و پرورش استان خراسان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مرکز آموزش عالی اداری خراسان، مشهد.
- قاسمی‌پویا، اقبال. (۱۳۸۰). مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- گوهری، زهره؛ جمشیدی، لاله و امین‌بیدختی، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۱(۷)، ۱۳۳-۱۶۲.
- نسترن بروجنی، الهام؛ نسترن بروجنی، ایمان و هنری، حبیب. (۱۳۹۵). شناسایی مشکلات موجود درس تربیت‌بدنی مدارس شهر اصفهان و مقایسه دیدگاه مدیران، کارشناسان و معلمان تربیت‌بدنی مدارس اصفهان. رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، ۲(۱۴)، ۹۴-۸۳.
- هوشمند، صدیقه و فولادی، احمد. (۱۳۹۴). نقش مشارکت‌های مردمی در کیفیت بخشی آموزش و پرورش. سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- یزدان‌پناه، لیلی. (۱۳۸۵). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲(۲۶)، ۱۰۵-۱۳۰.
- Blaik Hourani, R., Stringer, P., & Baker, F. (2012). Constraints and Subsequent Limitations to Parental Involvement in Primary Schools in Abu zabi: Stakeholders' Perspectives. *School Community Journal*, 22(2), 131-160.
- Faisal, M., Banwet, D.K & Shankar, R. (2010). Supply Chain Risk Mitigation: Modelling the Enablers. *Business Process Management*, 12(4), 535-552.

- Filo, K., Funk, D., & O'Brien, D. (2010). The Antecedents and Outcomes of Attachment and Sponsor Image within Charity Sport Events. *Journal of Sport Management*, 24(6), 623-48.
- Huang J. J., Tzeng G. H., Ong C. S. (2005). Multidimensional data in multidimensional scaling using the analytic network process. *Pattern Recognition Letters*, 26, 755-767.
- Ivan Rosas, S. (2009). *The Participation of Low-Income and Immigrant Mexican Parents in the Lives of High School Children*. Stanford University.
- Jitesh Thakkar, S.G. Deshmukh, A.D. Gupta and Ravi Shankar. (2007). Development of a balanced scorecard an integrated approach of Interpretive Structural Modeling (ISM) and Analytic Network Process (ANP). *International Journal of Productivity and Performance Management*, 56(1), 25-59.
- Kannan G., Noorul H. A. (2007). Analysis of interactions of criteria and sub-criteria for the selection of supplier in the built-in-order supply chain environment. *International Journal of Production Research*, 45(17), 3831-3852.
- Madden, K. (2006). Giving and identify: Why affluent give-or don't-to community causes. *Australian Journal of Social Issues*, 41(4), 453-76.
- Ramesh, A., Banwet, D.K., Shankar, R. (2010). Modeling the Barriers of Supply Chain Collaboration. *Journal of Modelling in Management*, 5(2), 176-193.
- Ravi, V. Shankar, R. Taiwari, M.K. (2005). Productivity improvement of a computer hardware supply chain. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 54(4), 239-255.
- Shapiro, S. L., Gianoulakis, C., Drayer, J., & Wang, Ch. (2009). An examination of athletic alumni giving behavior: Development of the former Student-Athlete Donor Constraint Scale. *Sport Management Review*, 13, 283-95.
- Singh M.D., Shankar R, Narain R, Agarwal. (2003). an interpretive structural modeling of knowledge management in engineering industries. *Journal of Advances in Management Research*, 1, 28 - 40.
- Sleeter, C. (2008). Equity, democracy and neoliberal assaults on teacher education. *Teaching and Teacher Education*, 24(8), 1947 - 1957.
- Smit, F.; Driessen, G.; Sluiter, R., and Slegers, P. (2007). Types of parents and school strategies aimed at the creation of effective partnerships. *International Journal about Parents in Education*, 1, 45-52.
- Wooda, L., Snelgroveb, R., & Danylchuka, K. (2010). Segmenting volunteer fundraisers at a charity sport event. *Journal of Nonprofit & Public-Sector Marketing*, 22(1), 38-54.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------|
| 1. Wooda, Snelgroveb & Danylchuka | 15. Jitesh Thakkar, Deshmukh, Gupta and Shankar |
| 2. Sleeter | 16. Singh, Shankar, Narain, Agarwal |
| 3. Ivan rosas | 17. Boolean |
| 4. Blaik Hourani, Stringer and Baker | 18. Huang, Tzeng, Ong |
| 5. Smit, Driessen, Sluiter and Slegers | 19. Conical matrix |
| 6. Madden | 20. Rechability set |
| 7. Shapiro, Gianoulakis, Drayer & Wang. | 21. Antecedent set |
| 8. Okli & Marseden | 22. Driving power |
| 9. Filo, Funk, & Brien | 23. Dependence |
| 10. Faisal, Banwet & Shankar | 24. Autonomous variables |
| 11. Ramesh, Banwet & Shankar | 25. Dependent variables |
| 12. Matrices' impacts croises-multiplication appliqué a un classmen | 26. Linkage variables |
| 13. Fuzzy screening | 27. Independent variables |
| 14. Kannan, Noorul H | 28. Ravi, Shankar, Taiwari |